

پرسش‌های فقهی و اصولی

عبدالله صدوqi

و پاسخ سید علینقی امین

که جناب عالی با تحری که در علم داریله با نهایت بزرگواری رفع اشکال خواهد فرمود، انشا الله.

۲- متن پرسش‌های اصولی

این است که با کمال شرمساری از تضییع اوقات شریفه به عرض می‌رساند:

۱- علمای فرقین متفق القولند که باب علم مسند استه دلیل انسداد باب علم چیست؟

۲- می‌گویند قرآن قطعی الصدور است ولی ظنی الدلاله است: احادیث و اخبار هم ظنی الصدور است و هم ظنی الدلاله است:

۳- می‌گویند مسلمانان یا باید مجتهد باشند یا مقلد این تقسیم‌بندی از ناحیه‌ی کدام مقام شرف صدور یافته؟

۴- می‌گویند وظیفه‌ی مجتهد استفراغ وسع در تحصیل ظن به احکام شرع استه وظیفه‌ی غیرمجتهد هم عمل به ظن، گمان و تخمين ظن مجتهد استه این وظایف را چه کسی بمعهده‌ی امت اسلام گذاشته و دلیل این امر چیست؟

۵- چرا علمای تسنن خود را موصیه و علمای امامیه خود را مخطوته نامیده‌اند در صورتی که هر دو در فتاوی که می‌دهند مدعی آنند که: هذا ما اذی به ظنی و کل ما اذی به ظنی فهو حكم الله في حق و حق مقلدی: دلیل موصیه‌بودن آن‌ها و دلیل خطئی مذهب‌بودن این‌ها چیست. حق با کدام یک از این‌هاست به چه دلیل؟

۶- علت این که علمای تسنن تقلید می‌رایند می‌دانند و علمای امامیه جایز نمی‌دانند چیست؟

۷- رای مجتهد که حکم خداست در حق خود او و در حق مقلدینش اگر واقعاً حکم خداسته چرا اطاعت به این حکم برای عده‌ی واجب و برای عده‌ی حرام استه به چه دلیل؟

۸- اگر واقعاً رای مجتهد حکم خداسته چرا بعد از مردنش حکم خدا نمی‌باشد؟

۹- فتاوی مجتهدین ما انزل الله است یا نیسته اگر از احکام ما انزل الله است به چه دلیل و اگر ما انزل الله نیسته به چه دلیل لازم‌الاجرا می‌شود؟

۱۰- اگر خدا و رسولش امر فرموده‌اند که باید اطاعت مجتهدین را نمود اگر بر گمان و تخمين مجتهدین عمل نکنیم، عبادت ما مقبول درگاه الهی نیسته این امریه در کجا و به چه کیفیتی و به چه لطفی شرف صدور یافته؟

۱۱- تحصیل علم و یقین با احکام شرع محال است یا ممکن؟ اگر

□ یادداشت سردبیر

زنده‌یاد استاد سید علینقی امین در منشات خود متن بسیاری از نامه‌های علمی و دینی مختلفی را که در طول سالیان به لو فرستاده‌اند همراه با پاسخ خود به آن‌ها گردآوری کرده است. نامه‌ی زیر را یکی از دانشمندان اهل سنت به نام عبدالله صدوqi به وسیله‌ی یکی از دوستان مشترک یعنی مرحوم حسن علوی (مدیر کل قیقد شرکت ملی تلفن ایران و عضو هیات مدیره‌ی بانک توسعه‌ی صادرات در ۱۳۳۴) که استاد امین فرستاده است. اینک اصل پرسش و پاسخ‌ها عیناً جهت استفاده‌ی اهل علم در این شماره به چاپ می‌رسد.

۱- نامه‌ی عبدالله صدوqi

بسم الله تعالى: اسلامیان پناهیا! به عرض عالی می‌رساند. این جانب علاقه‌ی شدید به فهمیلن کنه مطالب دینی دارم و اهل مطالعه هستم. کتب اصول را که مبنای استنباط احکام دین استه مطالعه. کرده‌ام، از آن جمله کتاب شرح عضدی و کتاب المعتمد ابوالحسین محمد بن علی و کتاب المخصوص امام فخر رازی و کتاب مختصر الاحکام امدى شافعی و کتاب المتهنی الاصول عثمان بن عمر مالکی و کتاب مختصر الاصول این الحاجب و کتاب شرح مختصر الاصول قاضی عبدالرحمن عضدی شافعی.

از کتب علمای امامیه کتاب تهذیب طریق الوصول الى علم الاصول مرحوم علامه‌ی حلی و کتاب منیة اللیب فی شرح التهذیب حمی الدین و کتاب قواعد علامه‌ی حلی و کتاب تمہید القواعد شهید ثانی اعلی الله مقامه و کتاب دیگر آن مرحوم به نام مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام و کتاب قوانین مرحوم میرزا قمی و کتاب فصول شیخ محمدحسن و کتاب منهاج الاصول فاضل نراقی و نتایج الاصول سید ابراهیم قزوینی و کتاب کفاية الاصول آخوند ملاکاظم خراسانی را دیده‌ام و همه‌ی این کتاب‌ها را کمیه و نسخه‌ی بدیل و شرح یک‌دیگر یافت‌هایم؛ بنابراین اساس و مبنای استدلال و رویه‌ی کار علمای تسنن و علمای تشیع یک‌ست و در باطن اختلافی با هم ندارند ولی در ظاهر از هم فاصله گرفته‌اند. فتوا به قتل یک‌دیگر می‌دهند، چنان که این جمهور، مرجع تقلید سنی‌ها فتوا به قتل شهید مرجع تقلید شیعیان داده و او را شهید کردنند.

اشکال بنده در این زمینه که هنوز کسی جواب قانع‌کننده و مستدل به آن نداده و جناب آقای علوی که مورد احترام همه استه مزده دادند

دلالت بر حجیت قول و فتوای علمای نقه دارد. اگر آن احادیث در دسترس شما بناشد و لازم آید بفرمایید تا در اولین فرصت قسمتی از آن را برای شما بنویسیم.

سوال چهارم: مرقوم فرموده‌اید، می‌گویند وظیفه‌ی مجتهد استقراغ وسع در تحصیل ظن به احکام شرعیه استه وظیفه‌ی غیرمجتهد هم عمل به‌ظن، گمان و تخمين مجتهد استه، این وظائف را چه کسی به‌غهده‌ی امت اسلام گذاشته و دلیل آن چیست؟

جواب پاسخ این سوال را از جواب سوال سوم می‌توان به‌دست آورد. مع‌هذا می‌گوییم این وظیفه نیز از ناحیه‌ی قرآن و از جانب ائمه بر عهده گذاشته شده، آیه‌ی قرآن هل یستوتی‌الذین یعلمون والذین لا یعلمون و اما از جانب ائمه می‌فرمایند: انظروا الى رجل منک قدری حدیثنا و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا فارضوا به حکماً فانی قد جعلته علیکم حاکماً: الی آخر الحديث و نظیر این روایت زیاد است و اما دلیل پیروی غیرمجتهد از مجتهد ایات و روایات مربوطه است و دیگر رجوع غیرعالمن در هر کاری به‌عالمن آن فن و این ارتکازی بشر است و فعلاً تفصیل لازم نیست: تو خود حدیث مفصل بجو از این دلیل.

سوال پنجم: مرقوم فرموده‌اید چرا علمای تسنن خود را مصوبه و علمای امامیه خود را مخطوته تأمینه‌اند، در صورتی که هر دو در فتوایی که می‌دهند مدعی‌اند که هنای ما ادی به ظنی و کل ما ادی به ظنی هو حکم الله فی حقی و حق مقلدی دلیل مصوبه‌بودن آن‌ها و دلیل خطی منهبه‌بودن آن‌ها چیست حق با کدام یک است، به‌جه دلیل:

جواب: علمای عامه اغلب برآنند که هرگاه مجتهد حکمی دهد

محل است که تکلیف ساقط است. اگر ممکن است پس چرا و به‌جه دلیل مجتهدین محترم بعد از هفتاد سال تحصیل، مباحثه، مطالعه و تحقیق باز جزمات زیاد و کوشش بسیار گمان می‌کنند که شاید حکم خدا و رسول در مساله‌ی معین این باشد. بالآخره آن چیزی که گمان شخص مجتهد بر آن شد این حکم خدا و رسول استه درباره‌ی مقلدین او، نه مقلدین مجتهد دیگر و درباره‌ی خود او نه درباره‌ی مجتهد دیگر، به‌جه دلیل مستدی است مستدلاً رفع این اشکالات را بفرمایید. اجرکم علی‌الله، ارادتمند: عبدالله صدقی

۵۲/۲/۵

۳- پاسخ به سوالات مورد بحث

بسمه‌تعالی شانه‌العزیز: داشتمند معظم از این که حضرت عالی اهل مطالعه بوده و علاقه‌ی شدید به فهمیدن کنه مطالب دینیه دارید، بسیار مشعوف و نادیده ارادتمند. سوالاتی که مرقوم فرموده و پاسخ آن را خواسته‌اید قبل از شروع به‌مقصود از ذکر مطالبی ناگزیرم.

اول- روزی که جناب آقای علوی (که مورد احترام همه بوده و بنده از ارادتمندان ایشانم)، دست خط مبارک را مرحمت فرمودند، عرض کردم: فردا برای مدت یک ماه عازم مسافرتم، فرمودند: جواب موکول به‌مراجمت باشد، عجله‌ی بی در پاسخ نیست:

دوم- آن‌چه را که حضرت آقای علوی درباره‌ی این جانب فرموده‌اند خود را کوچکتر از آن می‌دانم که خوبشن را در شمار اهل علم ارم تا چه رسد که از علماء باشیم و یا در میدان علم و مباحثه علمیه توائی گوئی از میدان ریایم، به‌هر حال به‌شرح زیر به‌پاسخ موارد سوال اشاره‌ی در خور فهم و استعداد خود می‌نمایم.

سوال اول: مرقوم فرموده‌اید که علمای فرقین متفقند که باب علم مسدود استه دلیل انسداد باب علم چیست؟

جواب: علمای فرقین بر دو قسمند: یک‌اده انسدادی و یک‌عده انفتحانی، من جمله میرزاچی قمی انسدادی و آخوند خراسانی انفتحانی است و بنا بر مفتوح بودن باب علم، دلیل انسداد مسدود است و مع‌الوصف به‌عقیده‌ی هر دو فرقه تکلیف مردم در احکام شرعیه رجوع به‌عالمن است و دلیل و علت آن را به‌زودی خواهی نوشت:

سوال دوم: مرقوم فرموده‌اید، می‌گویند قرآن قطعی الصدور است ولی ظن الدلاله است و اخبار و احادیث هم ظنی الصدور و هم ظنی الدلاله است؟

جواب: قرآن اکرچه ظنی الدلاله است ولی به‌ضمیمه احادیث اکثرا دلائل قطعی است. ما وافق کتاب الله فخذه و نیز ما انکام الرسول فخذه و علاوه ظنیه‌الطريق لاینافق قطعیتة الحكم.

سوال سوم: مرقوم فرموده‌اید می‌گویند مسلمانان یا باید مجتهد باشند یا مقلد. این تقسیم‌بندی از ناحیه‌ی کلام مقام شرف‌صدور یافته‌است؟

جواب: این تقسیم‌بندی از ناحیه‌ی قرآن و صدر اسلام است: فلولا نفرمن کل فرقه طالقه یتفقهوا فی الدین و لینذرها قومهم اذ رجعوا لیهم لعلهم یخذرون ایه‌یدی دیگر: فاستلوا اهل الذکر کنتم لاتعلمون: و این آیه عمومیت دارد و مراد از اهل ذکر مسلمانان دانایان می‌باشند (بعد از ائمه علماء) از احادیث نیز ظاهر می‌شود که در زمان ائمه موقعی که مردم دسترس به امام نداشته‌اند، رجوع به علماء می‌گردد. حتا ائمه علیهم السلام امر می‌فرمودند که مردم از علمای اخذ مسائل نمایند رجوع فرمایید به کتاب فضل علم اصول کافی حتا این که صادقین به شاگردان خود می‌فرمودند: بشنینید و فتوا بدھید که همه‌ی این‌ها

حکم برای عده‌ی واجب و برای عده‌ی حرام است به‌جهه دلیل مجتهد نمی‌تواند به حکم خدا که مجتهد دیگر بیان می‌کند عمل نماید؟
جواب: در اصول احکام و کلیات آن‌ها جمیع مجتهدین موافقند در جزییات فروع به عنوان اختیاط اختلاف رأی و سلیقه پیدا می‌کنند که زبانی به اصل حکم ندارد. مثلاً یکی می‌گوید اقل واجب در تسبیحات اربعه یک مرتبه است و دیگری می‌گوید بنا بر اختیاط سه مرتبه باید گفت: علاوه که یک‌نفر می‌تواند از چند مجتهد تقیید کند و عمل او صحیح هم باشد، مخصوصاً اگر بگوییم تقیید اعلم واجب است و یک مجتهد در مساله‌ی نماز و دیگری در مساله‌ی روزه و دیگری در مساله‌ی حج اعلم باشد در هر حکم و مساله‌ی رجوع به اعلم در آن مساله می‌نماید و اگر در عرض هم باشند باز هم تبعیض ممکن است و اغلب در اختیاطات رجوع به غیر را نیز می‌دهند و حکم به صحت عمل یک‌دیگر می‌نمایند و نیز در باب حکومت و قضویت در مواجهات ماقبل حکم عموم علماء و همه‌ی مجتهدین همان حکم لازم الاجراست و مرافعه‌ی دیگری بعد از آن بی‌حاصل بلکه حرام و مخالف شرع انور است، بنابراین سایر مجتهدین در این حکومت رأی این مجتهد را مسلم داشته و همه پذیرفته‌اند.

سوال هشتم: فرموده‌اید اگر واقعاً رأی مجتهد حکم خداست، چرا بعد از مردنش حکم خدا نمی‌باشد؟

جواب: پاسخ این سوال از جواب سوال ششم به خوبی فهمیده می‌شود در جواز بقا بر تقیید میت بالخصوص اگر مجتهد میت از مجتهدین زنده اعلم باشد، گفته‌اند واجب است بقا بر تقیید میت.

سوال نهم: فتاوی مجتهدین ما انزل الله است یا نیست؟ اگر از احکام ما انزل الله است به چه دلیل و اگر ما انزل الله نیست به چه دلیل لازم اجرا می‌شود؟

جواب: احکام به طور کلی ما انزل الله استه نزل به الروح الامین علی قلبک لن تكون من المتنزرين، بلسان عربی میبن. و آیه‌ی: انا انزلناد قرآن اعریباً لعلکم تعقولون و آیه‌ی: انا نحن نزلنا الذکر و انا له لمحافظون و نظیر این آیات و چون مأخذ استنباط و استخراج احکام برای فقها قرآن است، پس آن‌چه را که حکم کنند ما انزل الله است و بهمین دلیل لازم الاجراست و رد بر آن‌ها رد بر خداسته الراد عليهم كالراد علينا و الراد علينا فهو على حدالشرک بالله و بدليل دیگر از قبیل مقبوله و غیر آن، مثلاً قرآن به طور کلی می‌فرماید: اقیموا الصلاة، دیگر نماز صبح و درکعت و مغرب سرکعت و بقیه چهار رکعت ساخت استه مقلد کجا عام و خاص و مطلق و مقید و مجمل و مفصل و محکم و متشابه می‌داند و نیز در فهم احادیث صحیح از سقیم و عرضه‌ی اخبار بر آیات و تطبيق از کجا می‌داند و اگر همه بعدها آن بروند امور زندگی همه مختل و عسر و حرج لازم می‌اید. ان الله يريد بكم اليسر و لا يريد بكم العسر: و تکلیف هم ساقط نیست؛ پس اگر دیگری پیدا شود که به این مقام برسد بر مخالف لازم است وظیفه‌ی خود را از او اخذ کند. وللعمان ان یقلدوه: فاستروا اهل الذکر و امثال این‌ها نیز دلیل بر صحبت مدعاست.

سوال دهم: اگر خدا و رسولش امر فرموده‌اند که باید اطاعت مجتهدین را نمود و اگر بر گمان و تخمين مجتهدین عمل نکنیم عبادت ما مقبول در گاه الهی نیسته این امریه در کجا و به‌جهه کیفیتی و به‌جهه لطفی شرف صدور یافته؟

حکم الله نیز همان وقت صادر می‌شود جمعی از آن‌ها می‌گویند به عدد از مجتهدین احکام معلقه است و هر وقت مجتهد حکمی داد، حکم معلق تعلق به آن می‌گیرد و ضعف این دو مطلب آشکار استه زیرا بنا بر قول اول خداوند حکمی ندارد و بنا بر دوم برای یک موضوع خدا را چندین حکم معلق است و تازه حکم خدا تابع رأی مجتهد است و من خواهند بالآخره بگویند حکم مجتهد حکم واقع و نفس الامری است و به این سبب خود را مصوبه می‌خوانند.

اما علمای شیعه می‌گویند حکم واقعی و نفس الامری در حقیقت یکی است ماید سعی و اجتهاد کنیم، اگر به واقع رسیدیم دو اجر برده‌ایم و اگر درک واقع نشد، یک اجر برده‌ایم و اجر سعی و کوشش خود را یافته‌ایم؛ للمصیب اجران و للمختلط اجر واحد پس فعلًا تکلیف عمل به ظاهر همین حکم است، زیرا تکلیف مالاً یطاق لازم می‌آید. لا یکلف الله نفساً الا وسعاً: و نیز قرآن: لیس للانسان الا ما سعی؛ و بهضمیمه‌ی آیه‌ی من جاهد فینا لنه‌دیه‌نم سبلنا، مطلب تمام است که درک واقع خواهد شد، ولذا حق با شیعه است.

سوال ششم: علت این که علمای شیعه میت را جایز می‌دانند و علمای امامیه جایز نمی‌دانند، چیست؟

جواب: اکثر علمای امامیه بقای بر تقیید میت را جایز می‌دانند مگر قلیلی و لین نیز شاید از باب احتمال اعلمیت زنده باشد. علاوه جمعی می‌گویند، اگر مسائلی را مقلد فرا بگیرد، برای عمل و قبل از آن‌جام آن مجتهد بمیرد، چون مقلد الزام به عمل داشته می‌توان در آن مسائل نیز بر تقیید میت باقی بماند.

سوال هفتم: مرقوم فرموده‌اید، رأی مجتهد که حکم خنast در حق او و در حق مقلدینش اگر واقعاً حکم خنast چرا اطاعت به این

در کجا و چه کیفیت و در چه لطفی شرط صوره باشد:
 ۱- تحلیل علم و میسن، احتمام شرعاً مجاز است با این اکمال است که تکلیف ساخته است. اگر اکمل است پس بر این دلیل بجزئ نظرم مجاز است مصالحه ساخته باشد و تحقیق بازخواست زیاد و کوشش ساخته باشند.
 ۲- تکلیف کردشت بدین‌قدر از رسول در مسئلہ میسن این باشد: بالآخره این‌جایی که کسان شخص مجتهد را کن‌رشد بر این حکم خدا در این دلیل است در برایه تحقیقات این‌جا
 ۳- تحقیقات مجتهد را کن‌رشد بر این حکم خدا در بارهٔ خود را در بارهٔ تحقیقات این‌جا
 ۴- مسئله‌ی منع زدن اشکالات را این‌جاید: اگر علیه این دلیل است، این‌جا این‌جایی است
 پاسخ سوال اول است: محدود بحث: بحسب تعالی شاهزاده‌ی ایزد: داشتمد سیم
 در زمینه‌ی خود را اهل علم و بوره رعایت شد و نهیمین کش مطالعه بمنتهی
 ملکیه بسیار شووند و نادیره لر را مقدم: سرمه او بکله رزق خود را در بارهٔ پیغام
 که زردا خواسته و در قلبه شروع بمسخره لرزد که اصلیان ناگزیری
 لعل: زنده یکیه جایز کهای میری را که سرمه از قرآن هر بوره و دینه لز
 نهاده و می‌داند و دشمن و دشمنی را می‌خواسته زمزمه و مکارم فردا
 بگایی می‌ست یک‌جاهه عازم سرزم زمزمه‌ی جواب مکمل بر احتجت باشند

پاسخ اخیر پرسش‌ها و پیشنهاد اول پاسخ

بین اصحاب و فقها و ضمیمه حجت اجماع: زیرا اجماع را برای این حجت می‌نامیم که اولاً هرچنان علاماً اجماع بر قولی نمودند امام علیه السلام که ریس آن هاسته داخل در آن هاست و لذا مخالف شخص معین معلوم النسب را مضر و قادح اجماع نمی‌دانند پس اجماع از آن جهت حجت است که قول معمول با آن داخل استه بنابراین حکم یقینیست نه تخمینی؛ ثانیاً اجماع از این جهت حجت است که پیغمبر فرمود: لا تجمع امتی على خطأ و این اجماع را خلط به اجماع خلافت اولی نفرمایید زیرا که معمول داخل آن بود و آن بحث جداگانه بی دارد؛ ثالثاً، قاعده‌ی لطف و تصرف امام علیه السلام (وجوده لطف و تصرفه لطف آخر) قاعده‌ی لطف این است که اگر مردم بر امری اتفاق نمایند که آن باطل و غیرحق باشد از باب لطف بر امام واجب است که آن‌ها را ارشاد فرماید و ثابت کند که خطأ رفته‌اند (امیرالمؤمنین در خلافت و سورای دومی عمل کرد) و مقتضیان از علماء به قاعده‌ی لطف معتقد بوده‌اند. به هر حال وقتی که علماء امت بر امری اجماع کردند افراد علم پیش می‌کنند که رأی اجماعی علماء رأی امام است. در پاسخ از پرسش هفتم سرکار نوشتند که علماء و فقهاء حکم به صحت عمل یک‌دیگر می‌نمایند، چون اصول یکی‌ست و اختلاف نظر که از تاییدی روایات و روایت آن پیش شده امری‌ست جزیی و ضرر به اصل حکم ندارد و اگر مجتهدی در موضوعی حکمی صادر کند مقبول همه‌ی علماء و مخالفت آن را (باشه) در صورتی که به‌های نفس نباشد) جائز نمی‌دانند بلکه حرام می‌دانند. علی‌الحال به همین مختصراً قناعت و کفایت است. والسلام علی من اتبع الهدى، انتظار می‌رود از فکر سرشار شما پیشتر استفاده نمایم. شاید روزی این مطلب در دسترس عموم گذاشته شود. ■

جواب: از آن‌چه در شماره‌ی سوم، چهارم و نهم نوشتم، پاسخ شما و لزوم اطاعت مجتهدین پیداست و اما موضوع عمل به‌ظن و تخمین که مکرر اشاره فرموده‌اید می‌دانید که: ظنیه‌ی الطريق لاینافی قطعیه الحكم، پس احکام قطعی و یقینی‌ست و بالخصوص ظن خاص چون متاخم بعلم و یقین استه حکم بر آن بار می‌شود و اما این که مقلد اگر به رأی مجتهد عمل نکند عبادت او مقبول نیست، اولاً، جواب این است که فرق است بین عمل مقبول و مجری؛ عمل مجری اسقاط تکلیف می‌کند و عمل مقبول ثوابش بیشتر استه چه مانع است که عمل مجری باشد، هرچند مقبول نباشد؛ ثانیاً، اگر منظور شما از جمله‌ی مذکور این است که عبادت ادم بدون تقلید فاسد استه جواب این است که این موضوع مربوط به عمل جاهل قاصر و جاهل مقصّر استه عمل جاهل قاصر اگر چنان‌چه با فتوای مجتهدی که می‌خواهد از او تقلید کند (یا وقتی که عمل می‌کرده و می‌باشد از مجتهدی که واجب بوده از او تقلید کند و نکرده) مطابقت داشته عمل او صحیح است:

سوال یازدهم: تحصیل علم و یقین به احکام شرع محال است یا ممکن اگر محال است که تکلیف ساقط است اگر ممکن است پس چرا و به‌چه دلیل مجتهدین محترم بعد از هفتاد سال تحصیل و مباحثه و مطالعه و تحقیق با زحمات زیاد و کوشش بسیار گمان می‌کنند که شاید حکم خدا و رسول در مسائلی معین این باشد. بالاخره آن چیزی که گمان شخص مجتهد بر آن شد این حکم خدا و رسول است درباره‌ی مقلدین او نه مقلدین مجتهد دیگر و درباره‌ی خود او نه درباره‌ی مجتهد دیگر به چه دلیل؟

جواب: تحصیل علم و یقین به احکام شرع ممکن استه نه محال. پس تکلیف ساقط نیست و این که مجتهدین پس از سال‌ها زحمت بگویند هذا ما ادى به ظنی الى اخره: مراد طریق وصول به حکم واقعی‌ست و باز هم می‌گوییم: ظنیه‌ی الطريق لاینافی قطعیه‌ی الحكم؛ مثلاً در باب احکام اقیمه‌الصلوة و آتوالزکوة و کتب علیکم الصیام؛ ولله علی الناس حج الپیت؛ و این که نماز صبح دو رکعت و مغرب سه رکعت است کدام مجتهد می‌گوید که این حکم خدا و رسول است. درباره‌ی من و مقلدین من نه درباره‌ی مجتهدین دیگر و مقلدین آن‌ها پس اصول و احکام به‌طور کلی مقبول همه‌ی مجتهدین است و مقلدین آن‌ها و اما اختلاف نظر در جزییات و فروع است که آن‌ها زیان و ضرر به اصل حکم ندارد. در واقع نفس الامر شریعت یکی اختلافی در میان نیسته پاره‌ی از مسائل که نظریه‌ست با پایستی بالجهاد و رجوع به ادله معلوم شود و گفته‌ی که محققًا تکلیف ساقط نیست و نیز ما را امر فرموده‌اند به رجوع به عالم در امور واقعه و حادثه پس یقیناً تکلیف همان است که عمل شود بر وفق آن‌چه به‌نظر مجتهدین از ادله شرعیه راجح آمده و چون انتظار و سلیقه‌ی مجتهدین هم با یک‌دیگر تفاوت دارد سبب اختلاف سلیقه و نظر در بعض مسائل فرعیه مایین مجتهدین اختلاف رای ظاهر شده که تکلیف هر کدام عمل به‌رأی و ترجیح آن می‌باشد و این اختلاف نظر در بعض مسائل فرعیه با وجود اتفاق جمیع مجتهدین و مراجع به صحت عمل یک‌دیگر امری نیست.

که ضرر در اصل عمل باشد و یا زیانی به‌اصول احکام وارد آورد. در پایان پاسخ به سوالات یازده‌گانه آن جناب، مجددًا عرض می‌کنم که جمیع از علماء فرموده‌اند که در غیبت ولی عصر نیز عمل ما به علم و یقین استه نه بر ظن و تخمین خصوصاً به‌ضمیمه شهرت

علی‌الحال پاسخ نیست:
لهم: آنچه را که حضرت آن‌چنی علی در برههٔ وینچی فرموده از خوده اکابر
لماں مردم که خوش از شر از شر اهل علم کردم تا پیریه که از علا بآشم و با
در میان علم و بحث طی زدن گل نزد میان برام. بر حال بشر بزر
پاسخ مژده سوال اشارة‌ای لغایت فرم در استوار خود رسانم:
سؤال اول: سرقوم زمزمه ای رک علی از میان شنیدن کتاب مسند و
امت میل اسناده باهی طم چیست؟

جواب: علایی فریضی برخلاف شنیدن: که که انس اکابر یک‌دیگر اضافی
من جو پیشنهاد فی افسر از ای و آنچه خود فرمی از میان است و با من
بدون باهی طم. دیگر مسند از مردم و بآهت و سوس اوضاع بخته هم در
فرق تکلیف سردم و مرا حکم شریعت بجوع بآلم است و دیگر وقت آنرا
برادری خواهم نزشت.

سؤال دوم: سرقوم زمزمه ای رک: یک‌گزینه و قرآن طبع اصیله است دل
لئن المردال است و اجازه را احادیث بر ظنی اصرار در ظنی الراهن است:
جواب: توکن، اگرچنان‌که المردال است طل عصر خاتمه از مردم داشت
ظنو است. مادران کنایه خواهند داشت ما کامک الرسول خواهند: